



Multiplicity of the Islamic Penal Code and its Effects (with Emphasis on Crimes Against Persons)

چندپارگی قانون مجازات اسلامی و آثار آن (با تأکید بر جنایت علیه اشخاص)

Mohammadreza Nazarinejad Kiashi

Assistant Professor of Law, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Guilan, Iran (Corresponding Author)

محمدرضا نظری نژاد کیاشی

استادیار گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران (نویسنده مسئول)

m.nazarinejad@gmail.com

Peyman Dolatkah Pashaki

PhD Student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

پیمان دولتخواه پاشاکی

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

peyman.d77@gmail.com

Abstract

The application of jurisprudential teachings to customary law in order to formulate laws appropriate to today's society has always been the main concern of Iranian legislators and the penal code is the main focus of this concern where the inflexibility of boundaries with duality of right or retribution is considered alongside the central part of diyat. Narrows down the formulation of laws in accordance with the teachings of customary law. This article uses a descriptive-analytical method and using library sources to answer the question whether the legislator in combining customary law and jurisprudence has been able to impose the requirements of customary law on jurisprudential crimes? The initial answer to this is no, because the nature of the law resulting from the combination of these two views will be accompanied by challenges and ambiguities that can be realized by carefully considering the Islamic Penal Code; Granting the right to punish unqualified persons, such as Article 302 of the Penal Code, the disenfranchisement of perpetrators of serious crimes, including aiding and abetting murder in some cases, such as aiding and abetting a minor crime, is an example of conflict between customary law and jurisprudential teachings.

Keywords: Customary Law, Jurisprudence, Penal Law, Crime.

چکیده

تطبيق آموزه‌های فقهی با حقوق عرفی به منظور تدوین قوانین متناسب با جامعه امروزی همواره دغدغه اصلی قانونگذاران ایرانی بوده است و قانون مجازات اسلامی کانون اصلی این دغدغه محسوب می‌شود جایی که عدم انعطاف‌پذیری حدود همراه با دوگانگی حق یا کیفر تلقی شدن قصاص در کنار نص محوری دیات، عرصه را برای تدوین قوانین منطبق با آموزه‌های حقوق عرفی تنگ می‌کند. این نوشتار با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای درصدد پاسخگویی به این سؤال است که آیا قانونگذار در تلفیق حقوق عرفی و فقه توانسته است الزامات حقوق عرفی را بر جرایم فقهی بار کند؟ پاسخ اولیه به آن منفی است چرا که به طبع قانون برآمده از تلفیق این دو دیدگاه توأم با چالش‌ها و ابهاماتی خواهد بود که با دقت نظر به قانون مجازات اسلامی می‌توان به آن‌ها پی برد؛ اعطاء حق مجازات به اشخاص فاقد صلاحیت نظیر ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی، بی‌کیفرمانی مجرمین جرایم مهم از جمله معاونت در قتل در برخی فروض نظیر معاونت در قتل ارتكابی مجنون و صغیر نمونه‌ای از تعارضات میان حقوق عرفی و آموزه‌های فقهی است.

واژگان کلیدی: حقوق عرفی، فقه، قانون مجازات، جنایت.

Received: 2022/04/14 - Review: 2022/06/18 - Accepted: 2022/08/19

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۱/۲۵ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۱/۰۳/۲۷ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۲۷